

تأثیر فشار بازار سهام بر منافع مالیاتی شرکت مبتنی بر مدل مینگ چین چن (۲۰۱۵)

حسین نوروزی زاده^۱

محمد رضا ستایش^۲

محمد حسن جنانی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۲۶

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر فشار بازار سهام بر منافع مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مبتنی بر مدل مینگ چین چن (۲۰۱۵) طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ بوده که حجم نمونه با توجه به روش غربالگری برابر با ۱۱۳ شرکت می‌باشد. در این تحقیق فشار بازار سهام به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده تا تأثیر آن بر منافع مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی و از حیث روش توصیفی-همبستگی قلمداد می‌شود. از سوی دیگر پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی (نیمه تجربی) است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می‌گیرد. همچنین این پژوهش مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) نیز می‌باشد. در این تحقیق که از داده‌های پانل با اثرات تصادفی استفاده شده، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های شرکت‌ها با استفاده از رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان می‌دهد بین فشار بازار سهام و منافع مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط مثبت (مستقیم) معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: فشار بازار سهام، منافع مالیاتی، تحلیل داده‌های تابلویی (پانل).

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول)

setayesh_m_r@yahoo.com

۳- استادیار و عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد، بروجرد، ایران

۱- مقدمه

قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است تعریف می‌شود. علاوه بر این، منافع مالیاتی به فعالیت غیر قانونی که موجب کاهش درآمدهای دولت که برای امور زیربنایی و خدمات رفاهی و عمومی نیاز است، مربوط نمی‌شود. از آنجایی که هزینه مالیات سود شرکت را کاهش می‌دهد، بسیاری از شرکت‌ها به میزان زیادی فعالیت‌های منافع مالیاتی را با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات‌شان بکار می‌برند. در نتیجه منافع مالیاتی، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌ها است (کیم و همکاران، ۲۰۱۱).

از سوی دیگر مزایای مالیاتی از جمله مهم‌ترین انگیزه‌های ورود شرکت‌های سودآور به بازار سهام می‌باشد. طبق قوانین مالیاتی معادل ده درصد (۱۰٪) از مالیات بر درآمد حاصل از فروش کالاهایی که در بورس‌های کالایی پذیرفته شده و به فروش می‌رسد و ده درصد (۱۰٪) از مالیات بر درآمد شرکت‌هایی که سهام آنها برای معامله در بورس‌های داخلی یا خارجی پذیرفته می‌شود و پنج درصد (۵٪) از مالیات بر درآمد شرکت‌هایی که سهام آنها برای معامله در بورس داخلی یا خارجی پذیرفته می‌شود، از سال پذیرش تا سالی که از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در این بورس‌ها یا بازارها حذف نشده‌اند با تأیید سازمان بخشوده می‌شود. شرکت‌هایی که سهام آنها برای معامله در بورس‌های داخلی یا خارجی یا بازارهای خارج از بورس داخلی یا خارجی پذیرفته شود در صورتی که در پایان دوره مالی به تأیید سازمان حداقل بیست درصد (۲۰٪) سهام شناور آزاد داشته باشند معادل دو برابر معافیت‌های فوق از بخشودگی مالیاتی برخوردار می‌شوند. با توجه به مباحث فوق، مساله اصلی تحقیق حاضر بصورت ذیل مطرح می‌شود: فشار بازار سهام بر منافع مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه تأثیری دارد؟

امروزه تحقیقات زیادی در کشورهای غربی، عوامل منافع مالیاتی و یا به عبارتی کاهش مالیات را بررسی نموده‌اند. کاهش مالیات می‌تواند در اقتصاد کل کشور از منظر اقتصادی بسیار با اهمیت باشد. البته این نوع تامین مالی برای شرکت از طریق کاهش مالیات می‌تواند نسبتاً پر هزینه نیز باشد. این هزینه شامل هزینه‌های جریمه و زیان کاهش اعتبار و شهرت شرکت و افزایش ریسک است. کاهش مالیات در شرکت‌های مختلف، متفاوت است. از دیدگاه انواع نظریه‌های مالکیت، مالیات تفسیرهای متفاوتی دارد در برخی موارد، مالیات نوعی توزیع سود است و در برخی نیز نوعی هزینه است. اما در عمل اکثر مدیران و سهامداران آن را نوعی هزینه می‌دانند بنابراین سعی می‌کنند تا مقدار آن را کاهش دهند. انگیزه‌های کاهش مالیات میان مدیران و رهبران شرکت از کاهش مالیات ممکن است متفاوت و متنوع باشد اما دانستن عوامل تاثیرگذار بر تصمیمات کاهش مالیات، از سوالات بسیار مهمی است که نیاز به پژوهش و بررسی دارد. هانلون و هتزمان منافع مالیاتی را کاهش مالیات‌های آشکار در هر دلار از درآمدهای حسابداری قبل از کسر مالیات تعریف کرده‌اند، دسای و دارمپالا (۲۰۰۹) فعالیت منافع مالیاتی را انتقال ارزش از دولت به سهامداران تعریف کرده‌اند. دیگران آن را به عنوان نشانگر تسلسل استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی و فعالیت‌های حلقه‌ای تعریف کرده‌اند که کاملاً قانونی هستند و همچنین معاملات بسیار متهورانه دانسته‌اند که در حوزه خاکستری افتاده است (برای مثال، سپرهای مالیاتی سود استفاده‌گرانه). بر این اساس، پاسترناک و ریکو اظهار می‌دارند که "منافع مالیاتی کاربست قانونی رژیم مالیاتی به نفع خود، کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت با ابزارهایی قانونی می‌باشد". با این وجود، در ادبیات حسابداری تعریف جهانی پذیرفته‌شده‌ای برای منافع مالیاتی وجود ندارد (وانگ، ۲۰۱۲).

منافع مالیاتی به عنوان استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، برای کاهش میزان مالیات

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۱-۱- منافع مالیاتی

امروزه تحقیقات زیادی در کشورهای غربی، عوامل منافع مالیاتی و یا به عبارتی کاهش مالیات را بررسی نموده‌اند. کاهش مالیات می‌تواند در اقتصاد کل کشور از منظر اقتصادی بسیار با اهمیت باشد. البته این نوع تامین مالی برای شرکت از طریق کاهش مالیات می‌تواند نسبتاً پرهزینه نیز باشد. این هزینه شامل هزینه‌های جریمه و زیان کاهش اعتبار و شهرت شرکت و افزایش ریسک است. کاهش مالیات در شرکت‌های مختلف، متفاوت است. از دیدگاه انواع نظریه‌های مالکیت، مالیات تفسیرهای متفاوتی دارد در برخی موارد، مالیات نوعی توزیع سود است و در برخی نیز نوعی هزینه است. اما در عمل اکثر مدیران و سهامداران آن را نوعی هزینه می‌دانند بنابراین سعی می‌کنند تا مقدار آن را کاهش دهند. انگیزه‌های کاهش مالیات میان مدیران و رهبران شرکت از کاهش مالیات ممکن است متفاوت و متنوع باشد اما دانستن عوامل تاثیرگذار بر تصمیمات کاهش مالیات، از سوالات بسیار مهمی است که نیاز به پژوهش و بررسی دارد.

هانلون و هتزمان منافع مالیاتی را کاهش مالیات‌های آشکار در هر دلار از درآمدهای حسابداری قبل از کسر مالیات تعریف کرده‌اند، دسای و دارمپالا^۱ (۲۰۰۹) فعالیت منافع مالیاتی را انتقال ارزش از دولت به سهامداران تعریف کرده‌اند. دیگران آن را به عنوان نشانگر تسلسل استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی و فعالیت‌های حلقه‌ای تعریف کرده‌اند که کاملاً قانونی هستند و همچنین معاملات بسیار متهورانه دانسته‌اند که در حوزه خاکستری افتاده است (برای مثال، سپرهای مالیاتی سود استفاده‌گرانه). بر این اساس، پاسترناک و ریکو^۲ اظهار می‌دارند که "منافع مالیاتی کاربست قانونی رژیم مالیاتی به نفع خود، کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت با ابزارهایی قانونی می‌باشد." با این وجود، در ادبیات حسابداری تعریف جهانی پذیرفته‌شده‌ای برای منافع مالیاتی وجود ندارد (وانگ^۳، ۲۰۱۲).

منافع مالیاتی به عنوان استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است تعریف می‌شود. علاوه بر این، منافع مالیاتی به فعالیت غیر قانونی که موجب کاهش درآمدهای دولت که برای امور زیربنایی و خدمات رفاهی و عمومی نیاز است، مربوط نمی‌شود. از آنجایی که هزینه مالیات سود شرکت را کاهش می‌دهد، بسیاری از شرکت‌ها به میزان زیادی فعالیت‌های منافع مالیاتی را با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات‌شان بکار می‌برند. در نتیجه منافع مالیاتی، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌ها است (کیم و همکاران^۴، ۲۰۱۱).

منافع مالیاتی در حال تبدیل شدن به دغدغه اصلی جامعه جهانی است. شبکه عدالت مالیاتی نشان می‌دهد که درآمد مالیاتی جهانی که در اثر منافع مالیاتی از بین رفته به بیش از ۲۵۵ میلیارد دلار در سال می‌رسد، اگرچه این ارقام به‌طور کلی مورد پذیرش همگان نیست. در اکتبر ۲۰۰۹، تحقیقی که از سوی دلویت گزارش شد، نشان داد که مجموع مالیات شرکتی بریتانیا که در اثر فعالیت‌های منافع مالیاتی از دست رفته، بیش از ۲ میلیارد یورو در سال بوده است، اگرچه می‌تواند بسیار پایین‌تر از واقعیت هم باشد. گزارش همچنین گزارش قبلی صورت‌گرفته توسط TUC را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که نتیجه‌گیری کرده بود، منافع مالیاتی از سوی ۵۰ شرکت بزرگ در FTSE ۱۰۰ ذخیره پولی UK را تقریباً به میزان ۱۱/۸ میلیارد یورو کاهش می‌دهد. درحقیقت، برآورد ضررهای درآمدی ناشی از منافع مالیاتی بسیار دشوار است، اما برخی پیشنهاد کرده‌اند که آن به سختی می‌تواند با وجود شکاف‌های سود مشمول مالیات تخمین زده شود (لیم^۵، ۲۰۱۱).

دیوید گوک، سیاستمدار حزب محافظه‌کار و عضو پارلمان، با تأکید بر اهمیت منافع مالیاتی در نظام مالیاتی بریتانیا در سخنرانی در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰ اظهار داشت: "یکی از عوامل اصلی دخیل در شکاف مالیاتی منافع مالیاتی است. منافع مالیاتی ۱۷/۵٪ - حدود ۶

میلیارد یورو - از مجموع شکاف مالیاتی را به خود اختصاص می‌دهد. با این وجود، ۷ میلیارد یورو رقم قابل ملاحظه‌ای است و این دولت تلاش دارد تا حد امکان آن را کاهش دهد" (کیم و همکاران، ۲۰۱۱).

چون منافع مالیاتی در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌ها است، تصور نتایج منافع مالیاتی می‌تواند مهم‌ترین بحث در تحقیق‌های پیرامون این موضوع باشد. یکی از دلایلی که شرکت‌ها فعالیت‌های منافع مالیاتی را انجام می‌دهند، ویژگی‌های جانشین بدهی بودن آن است (لیم، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، صرفه‌جویی مالیات شرکت‌ها که از فعالیت‌های منافع مالیاتی حاصل می‌شود، می‌تواند برای تأمین مالی پروژه‌های شرکت بدون وام گرفتن استفاده شود. بنابراین، می‌تواند نرخ سود میانگین شرکت را کاهش دهد. از طرف دیگر، از آنجایی که مالکان نهادی انگیزه نظارت بیشتری دارند می‌توانند بر رابطه بین منافع مالیاتی و هزینه بدهی تأثیر بگذارند و این به خاطر دارا بودن بیشترین سهام شرکت برای ایشان می‌باشد. علاوه بر این، وجود مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران می‌تواند با افزایش مالکیت سرمایه‌گذار نهادی کاهش یابد. با وجود اینکه سهم مالکیت نهادی بیشتر با بازده پایین و صدور جدید اوراق قرضه ارتباط دارد. سرمایه‌گذاران نهادی نقش نظارتی در رابطه با قراردادهای پرداخت دستمزد یا پاداش مدیران اجرایی بازی می‌کنند (کیم و همکاران، ۲۰۱۱).

چون مالیات شرکتی اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین منبع درآمد حکومت است، منافع مالیاتی شرکتی اصلی‌ترین مسئله برای دولت‌ها نیز به‌شمار می‌آید. منافع مالیاتی در حال تبدیل شدن به نگرانی جدی دولت‌ها است. با وجود اینکه قوانین ضد اجتناب از پرداخت بسیاری تنظیم و صادر شده است، شرکت‌ها همچنان از این رویه در گزارشگری مالیاتی خود بهره می‌برند. یکی از دلایل اصلی این امر این است که سپردهای مالیاتی و منافع مالیاتی جانشینی برای استفاده از بدهی می‌باشد. اگر منافع مالیاتی جانشینی برای استفاده از بدهی است، آن می‌تواند بی‌بند و باری مالی را افزایش

دهد، هزینه‌های ورشکستگی مورد انتظار را کاهش دهد، کیفیت بدهی را تقویت کند، ریسک نکول شدن را پایین آورد و بنابراین هزینه بدهی را کاهش دهد. به بیان دیگر، همانطور که پیشتر گفته شد، صرفه‌جویی‌های مالیاتی شرکت‌ها که از فعالیت‌های منافع مالیاتی بدست آمده‌اند، می‌توانند برای تأمین مالی پروژه‌های شرکت بدون استفاده از وام مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، آن می‌تواند نرخ سود میانگین شرکت را کاهش دهد. از چشم‌انداز نمایندگی، سطح مالکیت نهادی می‌تواند بر رابطه بین منافع مالیاتی و هزینه بدهی تأثیر بگذارد. این به‌خاطر این است که سهامداران نهادی انگیزه بیشتری برای نظارت بر عملکرد شرکت به دلیل سهم بیشترشان دارند (لیم، ۲۰۱۱).

به‌رغم صرفه‌جویی‌های مالیاتی عمده ایجاد شده بوسیله فعالیت‌های منافع مالیاتی، شواهد و مدارک متناقضی در باب پیامدها و عواقب منافع مالیاتی برای ارزش شرکت وجود دارد (لیزوووسکی، رابینسون و اشمید، ۲۰۱۲). فعالیت‌های منافع مالیاتی به‌طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، مربوط می‌شود. با این وجود، مبانی نظری در حال ظهور در اقتصادهای مالی بر معانی و مفاهیم هزینه نمایندگی منافع مالیاتی تأکید دارند و اظهار می‌دارند که منافع مالیاتی همواره ثروت سهامداران بیرونی را افزایش نمی‌دهد. مطابق با این نظر و دیدگاه جانشین، فعالیت منافع مالیاتی ممکن است در استخراج شکاف‌های مدیریتی که از سرقت سود شرکت و دستکاری و تحریف درآمدها تا پاداش‌های بسیار زیاد مدیران اجرایی در شکل‌های گوناگون را دربرمی‌گیرد، دخالت داشته باشد. منافع مالیاتی به‌طور بالقوه می‌تواند ارزش بعد از کسر مالیات شرکت را کاهش دهد، چون هزینه‌های ترکیبی شرکت که شامل هزینه‌هایی است که مستقیماً به فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، هزینه‌های مضاعف رعایت، و هزینه‌های غیر مالیاتی مثل

به‌مثابه توسعه دیگر فعالیت‌های برخوردار از مالیات درک می‌شود، و دوم با مسئله نمایندگی مرتبط است، یعنی منافع مالیاتی به عنوان ابزار ایجاد سپر برای فرصت‌طلبی مدیریتی و انحراف منافع درک می‌شود. براساس اولین دیدگاه جانشین، منافع مالیاتی شرکتی، به عنوان توسعه دیگر فعالیت‌های برخوردار از مالیات مثل استفاده از بدهی بیان شده است. در این دیدگاه، چنین دریافت می‌شود که سپرهای مالیاتی به عنوان جایگزین کسورات بهره در تعیین ساختار سرمایه استفاده می‌شوند؛ اما مالکیت شرکتی در این میان به حساب نیامده است. علاوه بر این، منافع مالیاتی شرکتی می‌تواند به‌مثابه جانشین بدهی مورد استفاده قرار گیرد، همانگونه که به صورت منفی به هزینه بدهی مربوط است؛ علاوه بر این، این ارتباط می‌تواند زمانی که مالکیت نهادی بالا است، بسیار قوی‌تر شود. دومین دیدگاه جایگزین بر تعامل منافع مالیاتی و مشکلات نمایندگی تأکید دارد. براساس این دیدگاه، به لحاظ نظری منافع مالیاتی می‌تواند سپری را برای فعالیت‌های شتابزده مدیران و انحراف منافع ایشان ایجاد کند. با در نظر گرفتن همه مطالعات ذکر شده در بالا، این مطالعات حوزه تحقیق در منافع مالیاتی شرکتی را با تغییر تمرکز آن از ویژگی‌های شرکتی (برای مثال، سودآوری، اندازه شرکت، عمر شرکت و غیره) به یک سری جنبه‌های منحصر به فرد شرکت‌های سهامی عام (برای مثال ساختار مالکیت نهادی) به عنوان عوامل تعیین‌کننده منافع مالیاتی شرکتی، بسط و گسترش می‌دهند. با این وجود، این مطالعات همچنین نشان می‌دهند که هنوز حوزه‌های کشف نشده بسیار عظیمی برای تبیین پیامدهای منافع مالیاتی و تعامل آن با مالکیت نهادی وجود دارد. اگرچه پژوهش‌های صورت گرفته پیشین سودمند هستند، اما چشم‌انداز و بینش کمی را در این باره فراهم می‌سازند که چرا برخی شرکت‌ها که به نظر می‌رسد از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند، بیشتر از سایر شرکت‌ها از برنامه‌ریزی مالیاتی استفاده می‌کنند (لیم، ۲۰۱۱).

هزینه‌های نمایندگی می‌باشند، می‌تواند از مزایای مالیاتی سهامداران فراتر رود (وانگ، ۲۰۱۲).

بسیاری از پژوهش‌ها در پاسخ به این سؤال انجام شده است که چرا بعضی از شرکت‌ها بیش از بقیه از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند؟ بعضی از محققان عوامل مختلفی را به عنوان محرک و منافع برای فعالیت‌های اجتناب از پرداخت، برای پاسخ به سؤال مورد نظر مطرح کرده‌اند. برای مثال، برخی محققان بر ویژگی‌های شرکت مثل نوع صنعت، اندازه شرکت، عمر شرکت و غیره و دیگر پژوهش‌ها، انگیزه‌هایی مثل پاداش، ساختار مالکیت و شکل سازمانی را به عنوان عوامل انگیزشی بر فعالیت‌های منافع مالیاتی ذکر کرده‌اند (لیم، ۲۰۱۰). برای مثال، منافع مالیاتی شرکتی با سطح پاداش مدیران اجرایی گزینه‌محور به‌طور منفی مرتبط است و این رابطه منفی اغلب بوسیله شرکت‌های با نظام راهبری ضعیف حاصل شده است. آنچه می‌توان از این گفته استنباط کرد این است که شرکت‌های با مالکیت نهادی پایین‌تر بیشتر احتمال دارد که دارای تمهیدات ضد کنترلی باشند. علاوه بر این، تأثیرات زمینه‌ای بسیار قوی مثبتی بین فعالیت منافع مالیاتی و انحراف منافع از سوی مدیران وجود دارد، که این بدین معنی است که سطح افزایش یافته اعمال مالیات می‌تواند ارزش شرکت را به‌رغم پرداخت‌های مالیاتی افزایش یافته شرکت بالا ببرد. منحنی لافر که مفهوم کشش و جهندگی درآمد قابل مالیات را تشریح می‌کند (یعنی درآمد مالیاتی در پاسخ به تغییرات در میزان مالیات‌بندی تغییر می‌کند)، می‌تواند وجود داشته باشد که تابع محیط نظام راهبری و سطوح مالکیت درونی است. بنابراین، از بحث بالا می‌توان چنین برداشت کرد که هر دوی مکانیزم‌های پاداش تحریک‌کننده و دیگر مکانیزم‌های نظام راهبری نقش مهمی در منافع مالیاتی شرکتی بازی می‌کنند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶).

رشد معنی دار منافع مالیاتی شرکتی منتهی به دو نقطه نظر جایگزین در باب محرک‌ها و پیامدهای این فعالیت می‌شود. نخست این است که منافع مالیاتی

چون پیچیدگی عملیاتی (و عدم تقارن اطلاعاتی) شرط لازم برای پرهیز مالیاتی است. با این وجود، کانال‌های دقیقی که از طریق ایشان مدیران شکاف‌های حاصل از پرهیز مالیاتی را کشف و استخراج می‌کنند، روشن نیست و شواهد تجربی کمی درباره شناسایی دقیق این شکاف‌ها توسط مدیران وجود دارد. همچنین به‌طور ضمنی چنین فرض می‌کنند که دستمزد مالکیت‌محور به‌طور مکانیکی سپر مالیاتی ایجاد نمی‌کند. با این وجود، برخی معتقدند شرکت‌های با سطوح بالای دستمزد مالکیت کمتر احتمال دارد که نیازمند (یعنی از آن سود ببرند) سپر مالیاتی مضاعف ناشی از پرهیز مالیاتی باشند. سیدمن و استومبرگ توضیح می‌دهند که اظهارات دسای و دارماپالا در مورد ارتباط بین

گرامت مالکیت و پرهیز مالیاتی می‌تواند بوسیله "مصرف بی‌رویه مالیات" توضیح داده شود. درنهایت، دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) به صورت ضمنی اظهار می‌دارند که استخراج شکاف کمتر در شرکت‌هایی روی می‌دهد که به صورت "ضعیف" اداره می‌شوند. با این وجود، اگر فردی چنین فرض کند که مدیران فرصت‌های زیادی برای کشف و استخراج شکاف‌ها در شرکت‌های با نظام راهبری "ضعیف" و همین‌طور نظارت کمتر دارند، این توضیح می‌تواند تا حدودی نامعقول باشد.

رابینسون و همکاران^۸ (۲۰۱۲) رابطه بین انگیزه‌ها و نظام راهبری برای هر دوی پرهیز مالیاتی کلی و "پریسک" را مورد بررسی قرار می‌دهند. شواهدی را گزارش می‌کنند مبنی بر اینکه نسبت کارشناسان و متخصصان حسابداری در هیئت مدیره با برنامه‌ریزی مالیاتی کلی مرتبط است، اما ارتباط کمتری با برنامه‌ریزی مالیاتی "پریسک" دارد. تا اندازه‌ای مقیاس ایشان از برنامه‌ریزی مالیاتی "پریسک" یا پرمخاطره گوناگونی در انتهای سمت راست خط توزیع پرهیز مالیاتی را تبیین می‌کند و یافته‌های درباره نقش کارشناسان حسابداری بر پرهیز مالیاتی همچون یافته‌های رابینسون و همکاران (۲۰۱۲) است. با این وجود، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بین مطالعه و

این شکاف در مبانی نظری به تولید یک سری مقالات و پژوهش‌ها سرعت بخشیده است که مستقیماً مؤلفه‌های پرهیز مالیاتی را مورد بررسی قرار می‌دهند. مدیران اجرایی که قبلاً توسط شرکت‌هایی استخدام شده‌اند که تهور مالیاتی از مشخصه‌های آنها بوده است، به نظر می‌رسد این تهور را به کارمندان جدید خود انتقال می‌دهند. عدم رعایت قوانین مالیات شرکتی (یعنی منافع مالیاتی بسیار زیاد) می‌تواند ناشی از طراحی برنامه‌های انگیزشی دستمزد مدیران باشد. هماهنگ با این عقیده، شواهد تجربی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه منافع مالیاتی با سطوح بالای انگیزه دستمزد مرتبط است (آرمسترانگ و همکاران^۹، ۲۰۱۴).

تحقیقات کمی وجود دارد که مستقیماً بررسی می‌کند آیا (و چگونه) نظام راهبری شرکتی بر منافع مالیاتی تأثیر می‌گذارد. دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) الگویی را توسعه و سپس مورد آزمایش قرار می‌دهند که گرامت مالکیت‌محور مدیران را با پرهیز مالیاتی متهورانه آنها مرتبط می‌داند. ایشان نتیجه‌گیری می‌کنند که بین سپر مالیاتی و استخراج شکاف مکمل‌هایی وجود دارد، چون شرکت‌های با نظام راهبری خوب به نظر می‌رسد که انگیزه‌های بیشتری برای مدیران‌شان برای پرهیز مالیاتی فراهم می‌کنند، چون وجود دیگر مکانیزم‌های راهبری مانع از کشف شکاف‌های ایجادشده بوسیله فعالیت‌های پرهیز مالیاتی توسط مدیران می‌شود. با این وجود، شرکت‌های با نظام راهبری ضعیف، انگیزه‌ای برای پرهیز مالیاتی متهورانه فراهم نمی‌کنند، چون نبود نظارت از سوی مکانیزم‌های نظام راهبری آنها به مدیران امکان می‌دهد که شکاف‌های ایجادشده بوسیله برنامه‌ریزی مالیاتی متهورانه‌شان را کشف و شناسایی کنند.

کار پژوهشی که اخیراً صورت گرفته، چندین فرضیه بنیادی که تحت الگوی دسای و دارماپالا قرار دارند را مورد سؤال قرار می‌دهد. برای مثال، الگوی ایشان چنین فرض می‌کند که مدیران می‌توانند شکاف‌های ایجادشده بوسیله پرهیز مالیاتی را استخراج کنند،

جریان‌های نقد بعد از کسر مالیات می‌شوند، پژوهش اخیر دریافتند که متوسط سپر مالیاتی معاملات صرفه‌جویی مالیات بر درآمد فدرال ۲۰۶ دلار به ۳۷۶ میلیون دلار را تولید می‌کند. با این وجود، منافع مالیاتی بسیار پرهزینه است؛ وقتی منافع مالیاتی افزایش می‌یابد شرکت‌ها یک سری هزینه‌ها مثل هزینه‌های اجراء، هزینه‌های اعتبار و هزینه‌های نمایندگی و همچنین استخراج شکاف را متحمل می‌شوند. پژوهش اخیر بر بعد نمایندگی منافع مالیاتی متمرکز است، جایی که منافع مالیاتی از طریق استفاده از ساختارهای پیچیده و مشکل استخراج شکاف را ممکن و پنهان می‌سازد. محیط‌های اطلاعاتی غامض منتهی به منافع مالیاتی فزاینده می‌شوند. با این همه، استدلال می‌شود که مزیت دلاری منافع مالیاتی با توجه به وجود احتمال پایین کشف شدن از سوی مأموران مالیاتی خیلی بیشتر از هزینه‌ها است. به‌رغم صرفه‌جویی‌های مالیاتی عمده بدست‌آمده از فعالیت‌های منافع مالیاتی مدارک و شواهد متناقضی درباره پیامدهای منافع مالیاتی برای ارزش شرکت وجود دارد. ارزش سهامداران به‌طور مثبتی با میزان منافع مالیاتی تغییر می‌کند، اما این امر تنها در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی خوب اتفاق می‌افتد. برعکس، بلیکلک^۱ (۲۰۱۲) ثابت می‌کنند که به‌طور کلی منافع مالیاتی حتی در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف به طرز مثبتی با عملکرد نسبی آینده مرتبط است. ارزش سهامداران با منافع مالیاتی رابطه مثبتی دارد؛ این ارتباط مثبت در شرکت‌های با درآمد متغیر بیش از دو برابر است و بعد از اجرای FIN۴۸ در سال ۲۰۰۷ ارتباط مثبت در شرکت‌های با درآمد متغیر تنزل پیدا کرد. برای نرخ مالیاتی ارائه شده، افزایش در اعمال مالیات می‌تواند ارزش بازار شرکت را با کاهش استخراج شکاف سهامداران کنترل‌کننده افزایش دهد. ایشان براساس فرضیه خود دریافتند که ارزش بازار شرکت‌های روسی که اقدامات اعمال را بکار بستند افزایش یافت و به دنبال افزایش در اعمال مالیات اضافه بهای رأی‌گیری برای سهام‌های ایشان

رایبسون و همکاران این است که همچنین تأثیر نظام راهبری و انگیزه‌ها را نیز بر پرهیز مالیاتی در نوار سمت چپ توزیع پرهیز مالیاتی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم. شرکت‌های واقع در خط انتهای سمت چپ نوار توزیع پرهیز مالیاتی (شرطی) آنهایی هستند که نسبت به آنچه که انتظار می‌رود، کمتر درگیر پرهیز مالیاتی هستند (یعنی کم‌سپر هستند) و پازل یا معمای مهم و حل‌نشده‌ای را در ادبیات مالیاتی تشکیل می‌دهند. یافته‌های رابطه بین مکانیزم‌های راهبری گوناگون و پرهیز مالیاتی را برای این شرکت‌ها روشن می‌سازد.

به‌طور خلاصه، اگرچه ادبیات موجود و جاری بینشی را در مورد نقش انگیزه‌ها بر پرهیز مالیاتی فراهم می‌سازد، اما استنباط‌ها در مورد اینکه آیا (و چگونه) نظام راهبری شرکتی بر پرهیز مالیاتی شرکت تأثیر می‌گذارد، هنوز بسیار محدود است. علاوه بر این، شواهد و مدارک موجود محدود به تبیین میانگین شرطی توزیع پرهیز مالیاتی هستند و روابط در دیگر بخش‌های توزیع - بویژه در بخش‌های شدید - را توضیح نمی‌دهند. بررسی این بخش‌های توزیع پرهیز مالیاتی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چون احتمال دارد که برای سهامداران شرکت‌هایی که در برنامه‌ریزی مالیاتی "بسیار کمتر" وارد می‌شوند، زیان‌های اقتصادی چشمگیری به همراه داشته باشد و همچنین برای برنامه‌ریزی مالیاتی "بسیار متهورانه" نیز جرایم چشمگیری داشته باشد (رایبسون و همکاران، ۲۰۱۲).

فعالیت‌های منافع مالیاتی موجب افزایش جریان‌های نقدی بعد از کسر مالیات، دارایی‌های خالص و رکود مالی شرکت می‌شوند. لیزووسکی، رایبسون و اشمید (۲۰۱۲) دریافتند که در ۴۴ مورد سپر مالیاتی نمونه بررسی شده آنها، میانگین سپر مالیاتی که کسورات مالیاتی سالیانه را تولید می‌کند برای سپر قرار دادن درآمد کافی هستند و تقریباً مساوی است با ۹ درصد ارزش دارایی. همانگونه که فعالیت‌های منافع مالیاتی منجر به افزایش معنی‌دار در

سرمایه و درآمد مشمول مالیات و درآمد گزارش شده به مؤدیان مالیاتی (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹). تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به دو روش می‌تواند بدست آید: الف) مدیریت درآمد یعنی با دستکاری و تحریف در صورت‌های مالی و افزایش درآمد مالی فرصت طلبانه؛ ب) منافع مالیاتی یعنی با کاهش عمدی درآمد مشمول مالیات.

۲-۲- پیشینه پژوهش

خانگی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکتها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر شرکتهایی که حسابرس آنها متخصص صنعت باشد دارای نرخ موثر مالیات کمتر، نرخ موثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری بیشتری نسبت به شرکتهایی هستند که حسابرس آنها متخصص صنعت نیست که این امر نشان دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی شرکتها است. فروغی و محمدی (۱۳۹۲) رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اجتناب مالیاتی بر سطح نگهداشت وجه نقد و ارزش وجه نقد نگهداری شده توسط شرکت تاثیر منفی دارد. به اعتقاد آنان اجتناب مالیاتی، پرداختهای صورت گرفته به مقامات مالیاتی را کاهش می‌دهد. اما جریان اطلاعات خاصی از شرکت‌ها را نیز محدود کرده که این امر موجب تشدید تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می‌شود. اگر سرمایه‌گذاران، اجتناب مالیاتی را به عنوان امکان انحراف از منابع شرکت تلقی کنند، تأثیر منفی بر ارزیابی آن‌ها از سطح نگهداشت وجه نقد شرکت خواهد داشت.

خدای پور و امینی (۱۳۹۲) وجود ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه‌بدهی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

کاهش یافت. تحت FIN۴۸ بازده‌های مثبتی را برای اولین افشاجری‌های مزایای مالیاتی تحقق‌نیافته ثابت می‌کنند. کیفیت افشا رابطه مثبت بین بازده‌ها و مزایای مالیاتی تحقق‌نیافته را تعدیل می‌کند؛ وقتی مدیران از طریق افشاجری ضعیف منافع مالیاتی را پنهان می‌کنند، ارزش سهامداران ارتباط مثبتی با منافع مالیاتی پیدا می‌کند. بازار به مشارکت‌ها در سپر مالیاتی عکس‌العمل منفی نشان می‌دهد. با این وجود، در نمونه‌ها واکنش‌ها متفاوت است؛ در بخش خرده‌فروشی بازده‌های غیرعادی منفی برای شرکت‌ها معنی‌دار است و به‌طور عمده‌ای از بازده‌های شرکت‌های غیرخرده‌فروشی متفاوت است، حال آنکه بازده شرکت‌های با بازده مالیاتی نقدی حقوق صاحبان سهام (ETRS) زیر میانه نمونه منفی و معنی‌دار است و به‌طور عمده‌ای کمتر از بازده شرکت‌های با بازده نقدی مالیاتی حقوق صاحبان سهام بالای میانه است. در شرکت‌های با نظام راهبری خوب ارزش سهامداران ارتباط مثبتی با منافع مالیاتی دارد؛ این شرکت‌ها بازده مالیاتی بالایی دارند و در بخش خرده‌فروشی نیستند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۴).

همانطور که در مبانی نظری مورد بحث قرار گرفت، منافع مالیاتی به لحاظ سنتی به عنوان انتقال ارزش از دولت به سهامداران تعریف شده است، آن را کاهش مالیات‌های آشکار در هر دلار از سود حسابداری قبل از کسر مالیات تعریف کرده‌اند. محاسبه منافع مالیاتی به‌خاطر ماهیت خاص‌اش بی‌نهایت دشوار است. در این مطالعه از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD) به عنوان معیار منافع مالیاتی شرکت که بوسیله مانزون و پلسکو^{۱۰} (۲۰۰۲) توسعه داده شده و توسط دسای و دارماپالا (۲۰۰۶، ۲۰۰۹) ادامه داده شده است، استفاده شد.

محاسبه منافع مالیاتی نیازمند دو محاسبه فرعی می‌باشد مثل تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD) و اقلام تعهدی (TA). تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات تفاوت بین درآمد مالی است. برای مثال، درآمد گزارش شده به بازارهای

بررسی قرار دادند. یافته های آنها نشان می دهد که بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی رابطه مثبتی وجود دارد، به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، تا حدود زیادی شفافیت گزارشگری مالی تامین خواهد شد.

کتز و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۳) رابطه اجتناب مالیاتی و سودآوری آتی شرکتها را بررسی نمودند. نتایج تحقیقات آنان نشان داد بر اساس مفاهیم منفی اجتناب مالیاتی و وجود هزینه نمایندگی، اجزای اصلی سودآوری جاری منجر به سودآوری آتی کمتری برای شرکت های دارای سیاست اجتناب مالیاتی در مقایسه با شرکت هایی که فاقد این سیاست هستند، می شود. این نتایج در زمینه های مختلف سوء استفاده از دارایی ها، کاهش یا تشدید می شود.

گالیمور و لایرو^{۱۲} (۲۰۱۳) به بررسی تاثیر محیط اطلاعات داخلی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج حاکی از این بود که توانایی شرکت در اجتناب از پرداخت مالیات تا حد زیادی متاثر از کیفیت محیط اطلاعات داخلی شرکت است. همچنین شرکتهایی که کیفیت اطلاعات داخلی خود را بهبود (تقلیل) می دهند نرخ های مالیات موثرشان نزولی (صعودی) خواهد شد و این اثر متقابل در شرکتهایی که اطلاعات در آن نقش بااهمیت تری دارد، قوی تر است.

آیرز و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۳) در تحقیق خود تاثیر مالیات معوق بر ارزش شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج یافته های آنها نشان می دهد که بین مالیات معوق دوره جاری با سود آوری و نرخ بازده سهام شرکت در دوره بعد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد بطوری که شدت این رابطه برای شرکت ها دارای فرصت های سرمایه گذاری و محدودیت های مالی بالا، شدید تر می باشد.

هوی و دیگران^{۱۴} (۲۰۱۳) تحقیقی با عنوان آیا مسئولیت اجتماعی شرکتی با منافع مالیاتی رابطه دارد انجام دادند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که بین مسئولیت های اجتماعی و منافع مالیاتی رابطه دارد.

در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ است و اینکه آیا سطح مالکیت نهادی این رابطه را تعدیل می کند یا خیر بررسی نمودند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از این است که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی تاثیر معناداری ندارد.

رضایی و شرافتی (۱۳۹۳) در پژوهشی عوامل تعیین کننده تاثیر اجتناب مالیاتی بر رابطه بین سودآوری جاری و آتی شرکتها را بررسی نمودند. نتایج تحقیق نشان میدهد به دلیل وجود هزینه های نمایندگی مرتبط با فعالیتهای اجتناب مالیاتی و تاثیر منفی این هزینه ها بر بازده شرکت، اجتناب مالیاتی به طور قابل توجهی رابطه بین سودآوری جاری و آتی را کاهش میدهد و اجزای سودآوری جاری حاشیه سود، بهره‌وری دارایی ها و اهرم بدهی عملیاتی، منجر به سودآوری آتی کمتری برای شرکتهای دارای سیاست اجتناب مالیاتی در مقایسه با شرکتهایی که فاقد این سیاست هستند میشود. این مطالعه نشان داد استقلال اعضای هیئت مدیره و شفافیت اطلاعات به عنوان مکانیزم‌های موثر در جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی و کنترل رفتارهای فرصت طلبانه مدیر باعث کاهش رابطه اجتناب مالیاتی و خطر سقوط قیمت سهام میشوند.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که فعالیتهای برنامه ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش میدهد. به عبارت دیگر، میتوان گفت که فعالیتهای اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تاثیر منفی میگذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می شود. طالب نیا و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود تاثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی را مورد

را انتخاب می‌کنند، نشان می‌دهند. در مجموع، این نتایج نشان می‌دهد که فشار بازار سهام اثر معنی‌داری بر انتخاب شرکت‌ها بین این دو گزینه (منافع مالیاتی شرکت و منافع مالیاتی سهامداران) داشته و انتخاب مشوق‌های مالیاتی بر کیفیت سود آتی تأثیرگذار است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

بین فشار بازار سهام و منافع مالیاتی شرکت‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.

۴- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۴-۱- تعریف مفهومی

منافع مالیاتی: محققان منافع مالیاتی را کاهش مالیات‌های آشکار در هر دلار از درآمدهای حسابداری قبل از کسر مالیات تعریف کرده‌اند، دسای و دارمپالا (۲۰۰۹) فعالیت منافع مالیاتی را انتقال ارزش از دولت به سهامداران تعریف کرده‌اند. دیگران آن را به عنوان نشانگر تسلسل استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی و فعالیت‌های حلقه‌ای تعریف کرده‌اند که کاملاً قانونی هستند و همچنین معاملات بسیار متهورانه دانسته‌اند که در حوزه خاکستری افتاده است (برای مثال، سپرده‌های مالیاتی سود استفاده‌گرانه). بر این اساس، پاسترناک و ریکو اظهار می‌دارند که "منافع مالیاتی کاربست قانونی رژیم مالیاتی به نفع خود، کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت با ابزارهایی قانونی می‌باشد". با این وجود، در ادبیات حسابداری تعریف جهانی پذیرفته‌شده‌ای برای منافع مالیاتی وجود ندارد (وانگ، ۲۰۱۲). منافع مالیاتی به عنوان استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است تعریف می‌شود. علاوه بر این، منافع مالیاتی به فعالیت غیر قانونی که موجب کاهش درآمدهای دولت که برای امور زیربنایی و خدمات رفاهی و عمومی نیاز است، مربوط نمی‌شود. از آنجایی که هزینه مالیات سود شرکت را کاهش می‌دهد، بسیاری از شرکت‌ها به میزان زیادی فعالیت‌های منافع مالیاتی را با هدف

همچنین شرکت‌هایی که مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی را انجام نمی‌دهند با احتمال بیشتری دارای اختلاف سود مالیاتی خواهند بود و از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند.

هایگینز و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۴) به بررسی ارتباط بین استراتژی کسب و کار شرکت با اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج تحقیقات آنها نشان دادند که استراتژی اجتناب مالیاتی شرکت‌های آینده‌نگر (نوآور و ریسک طلب) کلی‌تر و عمومی‌تر از شرکت‌های مدافع (رهبری هزینه و ریسک‌گریز) است. آینده‌نگران به انجام موقعیت‌های مالیاتی تهاجمی‌تر از مدافعان می‌پردازند. بهره‌گیری آینده‌نگران از فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که از استراتژی نوآوری آنها منجر شود، منعکس‌کننده تمایل بیشتری به انجام خطر و مقابله با عدم قطعیت آنان است.

چن^{۱۶} (۲۰۱۵) تحقیقی تحت عنوان اثر فشار بازار سهام بر مصالحه بین منافع مالیاتی شرکت‌ها و سهامداران را در کشور تایوان انجام داد. دولت تایوان به شرکت‌هایی که در پروژه‌های واجد شرایط در صنایع در حال ظهور دارای تکنولوژی بالا سرمایه‌گذاری کنند، دو مشوق مالیاتی متقابلاً منحصر به فرد (معافیت مالیاتی ۵ ساله شرکت و یا اعتبارات مالیاتی سرمایه‌گذاری سهامداران) ارائه می‌دهد. این مطالعه بررسی می‌کند که آیا مدیران شرکت‌ها در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکتشان، منافع مالیاتی سرمایه‌گذاران را در نظر می‌گیرند یا خیر. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های سهامی خاص، نسبت به شرکت‌های سهامی عام، تمایل بیشتری به انتخاب اعتبارات مالیاتی سهامداران و چشم‌پوشی از منافع مالیاتی شرکت دارند. شرکت‌های سهامی عام با ضرایب پاسخ سود نسبتاً بالا تمایل به انتخاب معافیت مالیاتی ۵ ساله دارند زیرا می‌تواند سود گزارش شده پس از کسر مالیات را بهبود دهد. علاوه بر این، شرکت‌هایی که معافیت مالیاتی ۵ ساله را انتخاب می‌کنند، در دوره ۵ ساله پس از انتخاب مشوق مالیاتی، پایداری سود بسیار پایین‌تری نسبت به شرکت‌هایی که اعتبارات مالیاتی سهامداران

$DEBT_{it}$ = اهرم مالی که از طریق نسبت ارزش دفتری بدهی به ارزش دفتری دارایی های شرکت i در دوره t محاسبه می شود.

$SIZE_{it}$ = اندازه شرکت که از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی های شرکت i در دوره t محاسبه می شود.

ε_{it} : خطای پیش بینی مدل.

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال تاثیر فشار بازار سهام بر منافع مالیاتی شرکت مبتنی بر مدل مینگ چین چن (۲۰۱۵) می باشد، لذا مدل تحقیق به صورت زیر می باشد:

$$Tax\ Choice_{it} = \beta_0 + \beta_1 LIS - TAGE_{it} + \beta_2 ROE_{it} + \beta_3 DEBT_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

۵- روش شناسی پژوهش

با توجه به این که نوع رابطه مورد آزمون در این تحقیق از نوع همبستگی است، از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره به منظور تعیین میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته استفاده خواهد شد. روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی می باشد. اطلاعات نظری و یافته های تحقیقات پیشین و داده های مورد نیاز تحقیق به صورت دقیق از منابع ثانویه گردآوری می گردد. برای گردآوری اطلاعات در مورد ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق و فرمول های استخراج متغیرهای تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده می شود. داده های آماری مرتبط با فرضیه های تحقیق با استفاده از روش اسناد و مدارک سازمانی از صورت های مالی شرکت ها استخراج و با توجه به فرضیه های تحقیق، داده های متغیرها از اطلاعات بدست آمده محاسبه شده است. با توجه به اینکه اطلاعات و داده های گردآوری از اسناد حسابرسی شده استخراج می گردد و در تبدیل آنها از فرمول هایی استفاده می شود که در جامعه علمی مورد استفاده قرار می گیرد، در نتیجه می توان ادعا نمود که وسیله اندازه گیری دارای اعتبار خواهد بود. با توجه به اینکه در محاسبه شاخص های

کاهش درآمد مشمول مالیات شان بکار می برند. در نتیجه منافع مالیاتی، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت ها است (کیم و همکاران، ۲۰۱۱).

فشار بازار سهام: از آنجایی که شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ملزم به رعایت قوانین بورس و قوانین نظارتی ناشران بورسی می باشند این امر منجر به افزایش شفافیت اطلاعاتی شرکت های بورسی شده لذا هر چه شرکت ها مدت زمان بیشتری در بورس پذیرفته شده باشند میزان شفافیت اطلاعاتی آنها بیشتر شده و از طریق این شفافیت اطلاعاتی موجب کاهش هزینه های مالیاتی و به تبع آن افزایش منافع مالیاتی شرکت می گردد. به این پدیده فشار بازار سهام در جهت افزایش منافع مالیاتی اطلاق می گردند (چین چن، ۲۰۱۵).

۴-۲- تعریف عملیاتی

• متغیر وابسته

$Tax\ Choice_{it}$ = منافع مالیاتی شرکت که از طریق نرخ موثر مالیات نقدی (نسبت مالیات بر درآمد پرداختی، تقسیم بر سود قبل از مالیات شرکت i در دوره t) محاسبه می شود (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۴).

$$Tax\ Choice = \frac{t \text{ مالیات بر درآمد پرداختی طی دوره}}{\text{سود قبل از مالیات شرکت طی دوره}}$$

• متغیر مستقل

$LIST_AGE_{it}$ = فشار بازار سهام که از طریق مدت زمان پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه می شود.

• متغیرهای کنترل

ROE_{it} = بازده حقوق صاحبان سهام که از طریق نسبت سودخالص به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در دوره t محاسبه می شود.

- شرکت در دوره مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۹۴) از فهرست شرکت های پذیرفته شده در بورس حذف نشده باشد.
 - اطلاعات مورد نیاز برای انجام پژوهش در طی دوره زمانی بطور کامل ارائه شده باشد.
 - جزء شرکت های سرمایه گذاری و بانکها و نهادهای پولی و اعتباری نباشد.
 - قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- کل شرکتهای پذیرفته شده در بورس تا پایان سال ۱۳۹۴، ۴۸۷ شرکت می باشد که در این پژوهش بر اساس شروط در نظر گرفته شده، ۱۱۳ شرکت مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آماره های توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جداول زیر ارائه شده است.

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر(منافع مالیاتی شرکت) برابر با ۰/۱۳۸۴ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می باشد که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود میانه متغیر میزان منافع مالیاتی شرکت نیز ۰/۱۳۷۱ می باشد که نشان می دهد که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است.

مورد مطالعه از فرمول‌های خاصی استفاده می شود که به عنوان ابزار استاندارد جهانی محسوب می شوند و طبق اسناد موجود در ادبیات و پایه‌های نظری مختص اندازه‌گیری آن صفات محسوب می شوند، بنابراین از این دیدگاه می توان به روایی وسیله اندازه‌گیری اطمینان حاصل کرد. بنابراین، داده‌های مورد نیاز این پژوهش از طریق بانک‌های اطلاعاتی رایانه‌ای و مراجعه به کتابخانه سازمان بورس و اوراق بهادار و استفاده از نرم افزار ره‌آورد نوین و مراجعه به وب سایت www.rdis.ir سایت متعلق به سازمان بورس و اوراق بهادار (مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی)، جمع‌آوری خواهد گردید. همچنین صورت‌های مالی شرکت ها شامل ترازنامه، صورت جریان وجوه نقد و یادداشت های همراه صورت های مالی در پایان هر سال مالی (۲۹ اسفند ماه) به عنوان ابزار تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. در تحقیق حاضر برای بررسی بین متغیرهای فرضیه‌ها، اطلاعات مربوط به شرکت‌های نمونه، ابتداء محاسبات اولیه در صفحه گسترده نرم افزار (Excel) انجام گرفته و داده‌ها برای تجزیه و تحلیل آماده خواهد گردید، سپس به منظور انجام تجزیه و تحلیل‌های نهایی از نرم افزار SPSS۱۹ و EViews استفاده خواهد شد.

جامعه جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. دلیل انتخاب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار این است که قابلیت دسترسی به اطلاعات مالی این شرکت‌ها بیشتر است، همچنین به خاطر وجود مقررات و استانداردهای سازمان بورس اوراق بهادار تهران، اطلاعات گزارش‌های مالی این شرکت‌ها همگن تر است. بنابراین جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که شرایط زیر را داشته باشند:

- برای همگن شدن اطلاعات سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- در دوره مورد بررسی پژوهش تغییر سال مالی نداده باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانه	میانگین	شرح متغیرها	
۰,۳۲۲۶	۰,۰۰۰۲	۰,۰۸۶۸۷	۰,۱۳۷۱	۰,۱۳۸۴	Tax Choice	منافع مالیاتی شرکت
۳,۷۸۴۲	۱,۷۹۱۸	۰,۳۵۶۷	۳,۴۳۴۰	۳,۳۲۴۳	LIS-TAGE	فشار بازار سهام
۰,۴۸۷۱	۰,۱۱۴۵	۰,۰۸۹۶	۰,۳۵۰۰	۰,۳۶۸۱	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام
۱,۱۹۴۹	۰,۰۹۶۴	۰,۱۸۵۶	۰,۶۲۲۸	۰,۶۱۵۵	DEBT	اهرم مالی
۳۲,۲۷۰۱	۲۳,۹۴۶۷	۱,۳۹۰۸	۲۷,۴۱۳۵	۲۷,۵۴۹۸	SIZE	اندازه شرکت

نامانا بود، مانایی آن روی تفاضل دوم بررسی می‌شود. نتایج آزمون مانایی در جداول ۲ درج گردیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در کلیه متغیرها، سطح معناداری^{۱۷} در آزمون ریشه واحد کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده این است که متغیرها مانا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

۶-۲- آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

قبل از تخمین مدل لازم است مانایی (پایایی) متغیرها مورد بررسی قرار بگیرد. یک متغیر، وقتی ماناست که میانگین، واریانس و ضرایب خود همبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند. مانایی متغیرها در سه حالت در سطح، روی تفاضل اول و روی تفاضل دوم می‌تواند بررسی شود. متغیرهایی که احتمال حاصل از آزمون آنها در سطح کمتر از ۵٪ می‌باشد فرضیه صفر در مورد آن رد شده و آن متغیر در سطح، ماناست. در صورتی که بیشتر از ۵٪ باشد، متغیر نامانا است. در این حالت مانایی آن روی اولین تفاضل مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر در حالت مزبور هم

جدول ۲: نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	علامت اختصاری	احتمال	آماره
منافع مالیاتی شرکت	Tax Choice	۰,۰۰۰۱	-۳,۶۷۶۷۲
فشار بازار سهام	LIS-TAGE	۰,۰۰۰۵	۶,۴۳۵۵۴
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰,۰۰۰۸	۴,۶۳۳۸۵
اهرم مالی	DEBT	۰,۰۰۰	-۳,۷۸۱۳
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۱۲۴	۴,۵۶۰۵۴

۶-۳- مفروضات رگرسیون

انجام آزمون فرضیه‌ها، مستلزم برقراری فرض‌های نرمال بودن متغیرهای وابسته، همسانی واریانس و خود همبستگی است. زیرا در صورت عدم برقراری، نتایج بدست آمده قابلیت اتکا ندارند و این امر موجب استنتاج‌های غلط می‌شود.

۶-۴- آزمون نرمال بودن

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته از آماره جاکوبرا استفاده شده است. این آزمون برای متغیر وابسته انجام شده است. با توجه به جدول فوق و آماره جاکوبرا از آنجائی که سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه H_0 تایید شده لذا با اطمینان ۹۵٪

می‌توان گفت متغیر مزبور در مدل رگرسیونی از توزیع نرمال برخوردار است.

۶-۶- بررسی نرمال بودن توزیع خطاها

برای بررسی نرمال بودن توزیع خطاها از آماره جارکوبرا استفاده شده است. با توجه به جدول فوق و آماره جارکوبرا از آنجائی که سطح معناداری بیشتر از $0/05$ است فرضیه H_0 تایید شده لذا با اطمینان 95% می‌توان گفت توزیع خطاها در مدل رگرسیونی از توزیع نرمال برخوردار است.

جدول ۳: آماره جارکوبرا

نام متغیر	آماره جارکوبرا (JB)	سطح معناداری	نتیجه
منافع مالیاتی شرکت	۱,۲۳۳	۰,۲۷۲۱	توزیع نرمال است

جدول ۵: آماره جارکوبرا

نام متغیر	آماره جارکوبرا (JB)	سطح معناداری	نتیجه
مدل رگرسیونی تحقیق	۱,۶۴۳	۰,۱۰۶	توزیع نرمال است

۶-۵- آزمون استقلال خطاها

این فرض مدل کلاسیک رگرسیون خطی بیان می‌دارد که بین جملات باقیمانده رگرسیون، همبستگی وجود نداشته باشد. برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها از آزمون خود همبستگی سریالی بروش-گادفری استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر بیانگر عدم وجود خودهمبستگی می‌باشد و فرضیه مقابل بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی بین خطاها می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که با توجه به اینکه در سطح اطمینان 95% مقدار احتمال آماره F بالای 5% می‌باشد بنابراین می‌توان فرضیه صفر را تایید کرد لذا دلیلی برای رد عدم وجود خود همبستگی بین جملات باقیمانده وجود ندارد. به عبارت دیگر، فرض عدم وجود خود همبستگی جزء خطا در مدل رگرسیونی مورد استفاده در پژوهش برقرار است.

۷-۷- ناهمسانی واریانس‌ها

یکی از موضوعات مهمی که در اقتصاد سنجی به آن برخورد می‌کنیم موضوع واریانس ناهمسانی است. واریانس ناهمسانی به این معناست که در تخمین مدل رگرسیون مقادیر جملات خطا دارای واریانس‌های نابرابر هستند. به منظور برآورد واریانس ناهمسانی در این تحقیق از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون به صورت جدول ۶ بیان می‌شود.

جدول ۶: نتایج حاصل از ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	P-value	آماره وایت	مدل رگرسیونی تحقیق
عدم وجود ناهمسانی	۰,۱۵۷	۱,۴۱۸	

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خود

همبستگی جزء خطا

مدل رگرسیونی پژوهش	آماره F	احتمال	نتیجه
	۰,۸۷۳۸	۰,۲۴۰۱	عدم وجود همبستگی جمله خطا

نتایج حاصل از آزمون وایت (آماره F) در جدول ۶ آورده شده است. نتایج نشان دهنده این است که آماره F مدل رگرسیونی تحقیق در سطح خطای $0,05$ معنی دار نیستند در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین داده‌های مدل در سطح خطای $0,05$ تایید می‌شود. به همین دلیل می‌توان از مدل رگرسیونی OLS استفاده نماییم.

جدول ۸: نتایج آزمون F لیمر

نتیجه آزمون	احتمال	آماره اف لیمر	فرضیه صفر (H ₀)
H ₀ رد می شود	۰,۰۰۰	۱۹,۴۵۶	داده های تلفیقی

همانطور که نتایج نشان می دهد، احتمال آزمون F لیمر برای مدل تحقیق کوچکتر از ۰.۵٪ است؛ بنابراین فرض H₀ (مدل تلفیقی) تأیید نمی شود به بیان دیگر، اثرات فردی و یا گروهی وجود دارد و باید از روش داده های تابلویی برای برآورد مدل استفاده شود.

۱۰-۶- آزمون هاسمن

آماره آزمون هاسمن که برای تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت های واحدهای مقطعی محاسبه می شود دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای مستقل است. خلاصه نتایج آزمون هاسمن برای مدل های تحقیق، به شرح ذیل در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹: نتایج آزمون هاسمن

نتیجه آزمون	احتمال	آماره	فرضیه صفر (H ₀)
H ₀ پذیرفته می شود	۰,۳۲۴۵	۴,۵۴۸۷۹	مدل اثرات تصادفی

همانطور که نتایج نشان می دهد با توجه به مدل های تحقیق، احتمال آزمون هاسمن، برای تعیین استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی، بیشتر از ۰.۵٪ است. بنابراین فرضیه H₁ (مدل اثرات ثابت) رد می شود. با توجه به نتایج آزمون چاو و هاسمن مناسب ترین روش برای برآورد پارامترها و آزمون فرضیه ها مدل اثرات تصادفی است.

۸-۶- آزمون هم خطی متغیرهای مستقل

یکی از معیارهای ساده جهت شناسایی همخطی استفاده از ضرایب همبستگی بین متغیرهای توضیحی است. اگر ضرایب همبستگی بین متغیرهای توضیحی، نسبتاً بزرگ باشد بیانگر همخطی نسبتاً شدید است. اما اگر ضرایب همبستگی کوچک باشند بدین معنی است که همخطی وجود ندارد. همان طور که در جدول ۷ ملاحظه می شود، ضریب همبستگی بین متغیرها کمتر از ۰/۵ می باشد که نشان می دهد در چنین حالتی همخطی قابل اغماض است.

جدول ۷: نتایج همخطی

SIZE	DEBT	ROE	LIS-TAGE	Tax Choice	
۰,۲۴۱۸ ۰۵	۰,۳۸۴۷ -۴	۰,۴۶۷۹ -۸	۰,۴۱۱۰۷	۱	Tax Choice
۰,۲۶۹۳ -۸	۰,۳۴۳۹ ۶۵	۰,۴۶۷۹ -۸	۱		LIS-TAGE
۰,۳۶۹۶ -۵	۰,۳۴۳۹ ۶۵	۱			ROE
۰,۳۶۹۶ -۵	۱				DEBT
۱					SIZE

پس از اطمینان از برقراری فروض رگرسیون، به آزمون فرضیه های پژوهش پرداخته شده است. در ادامه به تشریح آزمون های آماری پرداخته خواهد شد.

۹-۶- آزمون F لیمر

برای انتخاب بین روش های داده های تابلویی و داده های تلفیقی، از آزمون F لیمر^{۱۱۸} استفاده شده است. در آزمون F لیمر، فرضیه H₀ یکسان بودن عرض از مبدأها (داده های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H₁، ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده های تابلویی) قرار می گیرد. خلاصه نتایج آزمون F لیمر، به شرح ذیل در جدول ۸ ارائه شده است:

۶-۱۱- نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی

$$\text{Tax Choice}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{LIS-TAGE}_{it} + \beta_2 \text{ROE}_{it} + \beta_3 \text{DEBT}_{it} + \beta_4 \text{SIZE}_{it} + \varepsilon_{it}$$

پس از آزمون مفروضات رگرسیون و اطمینان از برقراری آن‌ها، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در جدول ۱۰ ارائه شده است. مقدار آماره F (۸/۵۵۳) نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می‌باشد. همان‌طور که در قسمت پایین جدول ۱۰ مشخص شده است، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مدل فوق به ترتیب عبارتند از ۴۱/۷ درصد و ۳۶/۶ درصد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود ۳۶/۶ درصد از تغییرات میزان منافع مالیاتی شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترل مزبور تبیین می‌شوند. در این جدول اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب نشان دهنده میزان تاثیر مستقیم (معکوس) هر یک از متغیرها بر تغییرات میزان منافع مالیاتی شرکت‌ها است.

یکی از مفروضات رگرسیون استقلال خطاهاست؛ در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از

رگرسیون وجود ندارد. آماره بروش-گادفری به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه صفر بیانگر عدم وجود خودهمبستگی می‌باشد و فرضیه مقابل بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی بین خطاها می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون طبق جدول ۴-۱۰ نشان می‌دهد که با توجه به اینکه در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار احتمال آماره F، بالای ۵٪ می‌باشد بنابراین می‌توان فرضیه صفر را تأیید کرد لذا دلیلی برای رد عدم وجود خود همبستگی بین جملات باقیمانده وجود ندارد. به عبارت دیگر، فرض عدم وجود خود همبستگی جزء خطا در مدل رگرسیونی مورد استفاده در پژوهش برقرار است.

مطابق با جدول ۱۰، سطح معنی‌داری (sig) متغیر فشار بازار سهام شرکت (۰/۰۰۶) کمتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر (۰/۰۵) است؛ همچنین قدرمطلق آماره t (۳/۰۹۱) مربوط به این متغیرها بزرگتر از آماره t بدست آمده از جدول با همان درجه آزادی است. لذا فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه H_1 مبنی بر این که بین فشار بازار سهام و منافع مالیاتی شرکت‌ها ارتباط معناداری وجود دارد، تأیید می‌گردد.

جدول ۱۰: نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	β_0	۰/۲۵۵	۱/۴۴۲	۰/۱۹۲
فشار بازار سهام	β_1	۰/۹۶۱	۳/۰۹۱	۰/۰۰۶
بازده حقوق صاحبان سهام	β_2	-۰/۷۳۴	-۲/۰۵۲	۰/۰۴۸
اهرم مالی	β_3	۰/۱۳۲	۳/۸۳۸	۰/۰۰۹
اندازه شرکت	β_4	-۰/۱۹۱	-۲/۸۹۷	۰/۰۲۴
ضریب تعیین	۰/۴۱۷	آماره F		۸/۵۵۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۶۶	معنی‌داری (P-Value)		۰/۰۰۴
		آماره دوربین واتسون		۲/۰۰۵

۷- نتیجه گیری و بحث

نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که بین فشار بازار سهام و منافع مالیاتی شرکت ها ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد، بطوری که به ازای یک واحد افزایش در فشار بازار سهام، منافع مالیاتی شرکت ها ۰/۹۶۱ واحد افزایش می یابد. این نتایج تا حدودی منطبق با نتایج تحقیقات آلمیدا و همکاران (۲۰۰۴)، هواکیمیان و همکاران (۲۰۰۹)، حسین پور (۱۳۸۴) و کاشانی پور و نقی نژاد (۱۳۸۸) می باشد.

فهرست منابع

- بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۹.
- * خانی، عبدالله، ایمانی، کریم و ملایی، مهنام، ۱۳۹۲. بررسی رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان ۹۲.
- * خدای پور، احمد؛ امینی نیا، میثم. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه. پژوهشنامه مالیات. شماره نوزدهم. مسلسل ۶۷. ص ۱۳۵-۱۵۵.
- * رضایی، فرزین؛ شرافتی، فرزانه. (۱۳۹۳). عوامل تعیین کننده تأثیر اجتناب مالیاتی بر رابطه بین سودآوری جاری و آتی شرکتها. کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی ۵-۴. آبان ماه ۱۳۹۳.
- * طالب نیا قدرت اله، وکیلی فرد حمید رضا، علی اکبر عرب مازار و محمود صمدی لرگانی (۱۳۹۰). " بررسی تأثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۹.
- * طلوعی سلام (۱۳۸۰). " سودمندی استفاده از روش مالیات معوق"، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۹ و ۴۰.
- * فروغی، داریوش و محمدی، شکوفه، ۱۳۹۲. بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، شماره بیستم (۶۸)، ۱۰۱-۱۲۲.
- * مشایخی، بیتا؛ علی پناه، صبری. (۱۳۹۴). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۷(۲۵)، ۴۹-۶۴.
- * امانی، علی؛ دوانی، غلامحسین. (۱۳۸۹). خدمات حسابرسی، حق الزحمه ی حسابرسی و رتبه بندی حسابرسان. فصلنامه حسابدار رسمی، (۱۱)، ۳۲-۴۱.
- * ایزدی نیا، ناصر؛ رسائیان، امیر. (۱۳۸۸). ساختار سرمایه و مالیات بر درآمد شرکتها. فصلنامه تخصصی مالیات. بهار ۱۳۸۸. شماره ۵۲. ص ۳۱-۴۴.
- * باباجانی، جعفر؛ عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتها، پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳. ص ۶۵-۸۶.
- * پورحیدری، امید؛ فدوی، محمد حسین؛ امینی نیا، میثم. (۱۳۹۳) بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی سال چهاردهم، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۶۹-۸۵.
- * پورحیدری، امید و امیر سروستانی. (۱۳۹۲). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات، مجله دانش حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۲.
- * پورحیدری، امید و سعیده برهانینژاد (۱۳۹۱). بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبردی شرکتها بر مدیریت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در

- * Desai M. A., and D. Dharmapala, (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *Review of Economics and Statistics* 91(3), 537-546.
- * Desai, M. and D. Dharmapala. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *Review of Economics and Statistics* 91 (3): 537-546.
- * Dyreng, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L (2009). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. Working Paper.
- * Gallemore J and Labro E, (2013). The Importance of the Internal Information Environment for Tax Avoidance. UNC Kenan-Flagler Research Paper No. 2013-7
- * Gleason, C., and L. Mills. (2011). "Do auditor-provided tax services improve the estimate of tax expense?" *Contemporary Accounting Research*, 28 (5): 1484–1509.
- * Harford, Jarrad. Mansi, Sattar.(2008) ,"Corporate governance and firm cash holdings in the US", *Journal of Financial Economics*
- * Higgins D, Omer TC and Phillips JD.(2014) .The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting - Wiley Online Library*
- * Hogan, B., and T. Noga. (2010). "The Association between Changes in Auditor Provided Tax Services and Corporate Tax Avoidance" Working paper, Northeastern University and Bentley University.
- * Hoi, CH.K, Wu.Q and Zhang.H,(2013)," Is Corporate Social Responsibility (CS Associated with Tax Avoidance? Eviden from Irresponsible CSR Activities, the accounting review, Vol. 88, No. 6, pp. 2025–2059
- * Jensen, M. C., Meckling, W. H.(1976),"Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure",*Journal of Financial Economics*, October, V.3.4, pp.305-360
- * Katz SH, Khan U and Schmidt A.P,(2013). Tax Avoidance and Future Profitability.Columbia Business School Research, Paper No. 13-10.
- * Katz, S; Khan, U; & Schmidt. A. P. (2013). Tax Avoidance and Future Profitability. Retrieved September , 9, ۲۰۱۴, from Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2227149>.
- * Kholbadalov, U. (2012). The relationship of corporate tax avoidance, cost of debt and
- * Armstrong, C. S; Blouin, J. H; Jagolinzer. A. D; & Larcker. D. F. (2014). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. Retrieved September , 9, ۲۰۱۴, from Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2252682>.
- * Armstrong, S.C. Blouin, L,J. Larker, F.D. (2012). The Incentives for Tax Planing. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 53,pp. 391-411
- * Atwood T, Drake J, M.S. and Myers, L.A,(2010). Book- Tax Conformity, Earnings Persistence and the Association between Earnings and Future Cash Flow. Forthcoming *Journal of Accounting and Economics*, 50:111-125
- * Ayers, C.Benjamin, Laplante, Stacie and Casey Schwab. (2011). Does Tax Deferral Enhance Firm Value?? Working Paper.
- * Balakrishnan K, Blouin J and Guay W,(2010). Does tax aggressiveness reduce transparency?. Wharton University, Working Paper.
- * Beechy, T.H. (2007). The Make-Believe World of Future Income Taxes. *Accounting Perspectives* 6 (3): 221-229.
- * Blau, Benjamin; Fuller, Kathleen,2008, "Flexibility and dividends", *Journal of Corporate Finance*
- * Blaylock, B. (2012). Do managers extract economically significant rents through tax aggressive transactions? Working paper, Oklahoma State University.
- * Chen, Yenn-Ru, Chuang,(2008) "Wei-Ting, Alignment or entrenchment? Corporate governance and cash holdings in growing firms", *Journal of Business Research*
- * Chen, Ming-chin. (2015)." The effect of stock market pressure on the tradeoff between corporate and shareholders 'tax benefits " ,*China Journal of Accounting Research*8(2015) 75-89.
- * Cheung, J.K., G.V. Krishnan, and C. Min. (1997). Does Interperiod Income Tax Allocation Enhance Prediction of Cash Flows? *Accounting Horizons* 11 (4): 1-18.
- * Deangelo, H. & Masulis, R. W. (1980). Optimal Capital Structure under Corporate and Person Taxation. *Journal of Financial Economics*.
- * Desai M. A., and D. Dharmapala,(2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics* 79: 145-179.

Corporate Performance”, In: Hubbard, R. G. (Ed.), *Asymmetric Information Corporate and Financial Investment*, university of Chicago Press, Chicago, PP.149-180

یادداشت‌ها

¹ Desai & Darmapala

² Pasternak & Rikoo

³ Wang

⁴ Keem et al

⁵ Leem

⁶ Lizoaki, Rabinsoon & Shmeed

⁷ Armsjerang et al

⁸ Rabinsoon et al

⁹ Blikk

¹⁰ Manzon & Plesco

¹¹ Ketz et al

¹² Galimor & Labro

¹³ Ayers et al

¹⁴ Hoei et al

¹⁵ Haeiginz et al

¹⁶ Chen

¹⁷ P-Value

¹⁸ Fleamer

institutional ownership: evidence from Malaysia. *Atlantic Review of Economics – 2st Volume*.

- * Kim, J., Y. Li, and L. Zhang. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firmlevel analysis. *Journal of Financial Economics* 100 (3): 639-662.
- * Legoria, J., and K.F. Sellers. (2005). The Analysis of SFAS No. 109’s Usefulness in Predicting Future Cash Flows from a Conceptual Framework Perspective. *Research in Accounting Regulation* 18: 143-161.
- * Lim, Y. D., (2011). Tax avoidance, cost of debt and shareholder activism: Evidence from Korea. *Journal of Banking & Finance*, 35, 456 – 470.
- * Lim, Y.D., (2010). Tax Avoidance and Underleverage: Korean Evidence. Working Paper. University of New South Wales.
- * Lisowky, P., L. Robinson and A. Schmidt, (2012). Do publicly disclosed tax reserves tell us about privately disclosed tax shelter activity? Working paper, University of Illinois.
- * McGuire, Sean T., Thomas C. Omer and Dechun Wang. (2012). “Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?” *The Accounting Review*, 87 (3): 975–1003.
- * Mihir A. Desai, Alexander Dyckb, Luigi Zingalesc, ch. (2007). "Theft and Taxes". *Journal of Financial Economics* 84. 591–623.
- * Raedy, J. S., J. Seidman, and D.A. Shackelford. (2011). "Is there Information Content in the Tax Footnote? ", Working Paper.
- * Robinson, J. R., Xue, Y., and M. H. Zhang, (2012). "Tax planning and financial expertise in the audit committee". Working paper, University of Texas at Austin.
- * Sartori, Nicola. (2008). " effects of strategic tax behaviors on corporate governance". September 1, , university of Michigan.
- * Sawicki, Julia., (2006), "Corporate Governance and Dividend Policy in Southeast Asia Pre- and Post-Crisis", Nanyang Technological University
- * Wang, X. (2012). Tax avoidance, corporate transparency, and firm value. University of Texas Austin, Working Paper.
- * Zeckhauser, R.J., Pound, J., (1990), " Are Large Shareholders Effective Monitors? An Investigation of share Ownership and